

مطالعه رابطه سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی با شهروندی فرهنگی (مورد مطالعه: شهر کرج)

زهرا محمدی

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

zmohammadiz@gmail.com

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: امروزه رویکرد فرهنگی در همه امور از جمله سیاست‌گذاری مدیریت شهری اهمیت یافته است و مجموعه‌ای از ارزش‌ها و نظام‌های اجتماعی از آن حمایت می‌کنند. هدف این پژوهش بررسی پدیده اجتماعی شهروندی فرهنگی است و رابطه‌ای که با سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی دارد.

روش پژوهش: پژوهش از نوع توصیفی و روش آن پیمایشی است. جامعه آماری شهروندان کرج در سال ۱۳۹۶ است. حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد و شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای بوده است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه گردآوری و به کمک SPSS و با ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: رابطه فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی تایید گردید ولی بین سرمایه فرهنگی و شهروندی فرهنگی رابطه معناداری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: شهروندان تا حدودی حضور شهروندان دیگر که در زبان، نژاد، رنگ، قومیت و... متمایز هستند را در یک مجموعه شهری پذیرفته‌اند و با حقوق و تکالیف خود نسبت به سایر شهروندان آشنا هستند. با در نظر گرفتن حقوق فرهنگی هر شهروند، هر یک از نژادها، قومیت‌ها و اقلیت‌های دینی و اجتماعی دارای حق شهروندی است و فرهنگ شهروندی می‌تواند عاملی برای ارتقاء حقوق فرهنگی آنان باشد.

واژگان کلیدی: شهروندی فرهنگی، فرهنگ شهروندی، تنوعات فرهنگی، سرمایه فرهنگی.

شهروندی موقعیتی است که حقوق و تکالیف افراد جامعه را مشخص می‌کند و آگاهی از آن برای شهروندان و اداره کنندگان جامعه دارای اهمیت است. برای تحلیل این پدیده اجتماعی باید به ابعاد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی- اقتصادی توجه نمود. امروزه با توجه به مسئله جهانی شدن و وجود رسانه‌های جمعی گسترده و فن‌آوری‌های جدید صحبت از حقوق فرهنگی به میان آمده است و در جوامعی که دارای تنوعات فرهنگی، قومی، زبانی، دینی و... هستند، اهمیت بیشتری دارد. پژوهشگران برای بررسی حقوق فرهنگی مردم یک جامعه، از مفهوم شهروندی فرهنگی^۱ استفاده می‌کنند.

از آنجا که ایران نیز یک جامعه با تنوعات فرهنگی، قومی، زبانی و دینی است، به خصوص شهر کرج که با مهاجرپذیری از اقصاء نقاط کشور به ایران کوچک معروف است، ضرورت مطالعه را ایجاد می‌کند. انتظار می‌رود در شهرهای بزرگ شهروندان از حقوق‌شان آگاه بوده و در مقابل به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و ضمن حفظ فرهنگ مشترک‌شان، بتوانند آن قسمت از فرهنگ‌شان که با دیگران متفاوت است را حفظ نموده و در شکوفایی آن سهیم باشند. هرچند ممکن است افرادی که با آنها در تعامل هستند از بسیاری لحاظ، خصوصاً از لحاظ فرهنگی (زبان، قومیت، نژاد و...) متفاوت باشند. هم‌چنین انتظار می‌رود ضمن آگاهی از حقوق خود و دیگران به تکالیفی که در جامعه دارند متعهد بوده و به مشارکت در جامعه تمایل داشته باشد. وجود شهروندی فرهنگی در یک جامعه و تمایل شهروندان به اجرای آن و احترام به حقوق فرهنگی می‌تواند بر نوع روابط و تعامل بین افراد جامعه تأثیرگذار باشد و آنها را موظف نماید تا به حقوق فرهنگی یکدیگر احترام بگذارند و تفاوت‌های موجود را بپذیرند.

مفهوم شهروندی از جمله مفاهیم مورد توجهی مفاهیمی است که از دل تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی برخاسته است و یک سیر تکاملی داشته است. البته شهروندی در زمره این واژه در کشورها و دوره‌های تاریخی مختلف معانی متفاوتی داشته است استیونسون (۱۳۹۲). از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، تحولاتی در سطح جهانی شکل گرفت؛ شکست نظریه‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی، ظهور نظریه‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه فرهنگی‌گرا، ظهور تکنولوژی‌های ارتباطی مانند تلویزیون، ماهواره، اینترنت و اهمیت یافتن رسانه‌ها، ظهور صنایع فرهنگی مانند صنعت توریسم و صنعت علم، ظهور شهروندی فرهنگی و فرهنگی‌شدن امر سیاسی که این تحولات موجب توجه به فرهنگ و مباحث فرهنگی شده است باقریان (۱۳۹۰). در طول تاریخ در زمینه شهروندی همواره از حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی صحبت می‌شده و به دنبال مشخص کردن محدوده این حقوق بوده‌اند اما امروزه نظریه‌پردازان به این نتیجه رسیده‌اند که «شهروندان علاوه بر نیازهای اجتماعی، اقتصادی و مدنی، نیازهایی در زمینه فرهنگی دارند که شهروندی مدنی، سیاسی و اجتماعی نمی‌تواند نیاز فرهنگی افراد را پوشش دهند. به همین دلیل مفاهیمی مانند حقوق فرهنگی و شهروندی فرهنگی و فرهنگ شهروندی^۲ مطرح شده است. تحولات چند دهه اخیر در جهت اهمیت یافتن فرهنگ و فرهنگی شدن عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است، از این رو فرهنگی شدن شهروندی امری اجتناب‌ناپذیر است» ادانی و دیگران (۱۳۹۰).

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم در دهه‌های اخیر بنا به دلایل مختلف، از جمله افزایش میزان مهاجرت‌ها، بخصوص در شهرهای بزرگ، شاهد درهم آمیختگی فرهنگ‌های گوناگون هستیم. این موضوع، اداره شهرها را با پیوندها و تعارضات نژادی، قومیتی، زبانی، سنت‌های متفاوت روبرو ساخته است Stevenson (2003). افراد متعلق به هر فرهنگی دارای هویت‌های

واقعیت این است که ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی شهر کرج را در کمتر جایی از ایران می‌توان یافت. فرایند تاریخی و شرایط شکل‌گیری و رشد این شهر بخاطر مهاجرت از اقصا نقاط ایران به گونه‌ای بوده که نمی‌توان سیاست‌های مدیریتی دیگر شهرها را به عنوان نسخه معیار برای آن تجویز کرد و براساس نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنها برنامه‌ریزی کرد، بلکه ضروری است شناخت کافی از ویژگی‌های فرهنگی شهروندان کرج جهت سیاست‌گذاری دست یافت. لذا این سوال مطرح می‌شود که شهروندی فرهنگی آنان چه میزان است و چه رابطه‌ای با سرمایه فرهنگی دارد.

در این پژوهش برای بررسی شهروندی فرهنگی، عواملی چون سرمایه فرهنگی، فرهنگ شهروندی میزان پذیرش تنوعات فرهنگی و احترام گذاشتن به آنها، میزان مشارکت‌های فرهنگی، گرایش‌های فرهنگی و فرهنگ شهروندی که شامل آگاهی از حقوق شهروندی و تمایل به اجرا و انجام تعهدات شهروندی است، مدنظر قرار گرفته است و فرضیه‌های زیر را مورد آزمون قرار می‌دهد:

به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و شهروندی فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

اهمیت و هدف

ایران از جمله جوامعی است که دارای تنوع قومی^۵ (کرد، لر، بلوچ، فارس، ترک، گیلک و...)، تنوع مذهبی (اسلام، یهود، زرتشت، مسیحی و...) و تنوع زبانی (فارسی، ترکی، کردی...) است. آگاهی شهروندان از وجود تفاوت‌های فرهنگی و پذیرش این تفاوت‌ها از سوی آنان برای حفظ یکپارچگی جامعه می‌تواند موثر باشد» عزیز و دیگران (۱۳۸۹). اهمیت موضوع از آن جهت

متفاوتی هستند و هر شهر و شهروندی نیز باید بتواند هویت یا هویت‌های متعددی داشته باشد و برای هریک از این هویت‌ها امکان آزادی بیان بیابد (البته تا جایی که هویت‌های دیگر و حقوق دیگران را به خطر نیاندازد). جامعه باید به هرکدام از این اقوام، حق حفظ هویت فرهنگی را بدهد، زیرا شهروندی فرهنگی شامل سلیقه‌ها، حقوق و فرهنگ گروه‌های مختلف موجود در یک جامعه می‌شود کریمی (۱۳۹۰). در حقیقت تفاوت فرهنگی جوامع باعث می‌شود تا شهروندانی با ویژگی‌های خاص خود پرورش یابند که دارای حقوق و وظایفی متناسب آن جامعه خواهند داشت. اینجاست که موضوع شهروندی فرهنگی و حقوق فرهنگی مطرح می‌شود. البته وجود رسانه‌های جمعی و گسترش تکنولوژی‌ها و فن‌آوری‌ها در پی بردن و آگاه شدن شهروندان از حقوق متفاوت فرهنگی‌شان تأثیرگذار بوده‌اند حاجی محمدی (۱۳۸۹).

براساس نظریات یانگ^۲، اقلیت‌های زبانی و فرهنگی برای حفظ زبان و فرهنگ‌شان باید حقوق خاصی داشته باشند و در عین حال از تمام مزایای شهروندی مانند آموزش و فرصت‌های شغلی برابر نیز برخوردار باشند. این حق، مستلزم التزام و توجه حکومت‌ها و نهادهای عمومی به زبان‌های محلی و فرهنگ‌های خاص است توانا (۱۳۹۰). برای حفظ انسجام و یکپارچگی جامعه، شهروندان باید تحمل تفاوت‌ها را داشته باشند و متفاوت بودن فرهنگ‌های غیر با فرهنگ خود را بپذیرند و یاد بگیرند برای آنها احترام قائل شوند تا به گونه‌ای مسالمت‌آمیز، هماهنگ و به دور از هرگونه تحقیر زندگی کنند، در حقیقت هر شهروندی با هر فرهنگی باید احساس تعلق به جامعه خود داشته باشد و در آن شرکت کند. باید احساس کند که از منابع و منافع موجود به گونه‌ای منصفانه و برابانه برخوردار است و تفاوت‌های قومی، جنسیتی، طبقاتی و نژادی و... در میزان برخورداری آنها تأثیری ندارد.

است که پدیده شهروندی فرهنگی در ایران کمتر کار شده است و جزو پژوهش‌های به روز است. در این پژوهش با توجه به مهاجرپذیری و تنوع فرهنگی شهر کرج که ایران کوچک نامیده می‌شود، شهروندی فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. هدف از انجام این تحقیق، تعیین چگونگی تاثیر و رابطه سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی بر شهروندی فرهنگی می‌باشد.

ادبیات تحقیق

شهروند فردی است که در رابطه با دولت از امور سیاسی و مدنی برخوردار است و تکالیفی را به عهده دارد. مفهوم شهروندی همراه با مفهوم فردیت و حقوق فرد در اروپا پدید آمده است و اساساً کسی شهروند شمرده می‌شود که تنها فرمان‌گذار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری یا طبیعی نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آنها حمایت کند (حیدری ۱۳۸۹). شهروند از حقوق بنیادین مدنی برخوردار است اما این حقوق مستلزم وجود تکالیف و مسئولیت‌هایی برای شهروندان در قبال دولت و سایر شهروندان است (Bellemey 2008).

تقسیم‌بندی شهروندی با رویکردها و ملاک‌های متفاوتی انجام می‌شود که با توجه به معیار قلمرو و دامنه آن به شهروندی ملی، منطقه‌ای، جهانی و متحرک است (منافی شرف‌آباد و دیگران ۱۳۹۰). وان هبرت^۶ ابعاد شهروندی را بعد مدنی، سیاسی، اجتماعی - اقتصادی و بعد فرهنگی یا گروهی می‌داند (افشار، ۱۳۹۳). شهروند خوب کسی است که در تمامی این حوزه‌ها و قلمروها به حقوق و وظایف خویش آشنا باشد و همواره تلاش کند تا به بهترین نحو به انجام وظایف خویش بپردازد (Hamatt & Staeheli 2011).

سابق بر این مفهوم شهروند، بار سیاسی داشت و شهروندی یک جامعه بیشتر سیاسی تلقی می‌شد تا فرهنگی، اما شهروندی فرهنگی نه تنها این معنا را در خود دارد بلکه

به معنای یک حق عمومی و حق جمعی است. این حق شامل حق حفظ هویت و حق عمل براساس فرهنگ می‌شود (کریمی ۱۳۹۰). دیدگاه شهروندی فرهنگی از حقوق ویژه افراد حمایت می‌کند. حقوقی که برخاسته از ویژگی‌های متفاوت (تفاوت در زبان، نژاد، رنگ و قومیت و...) است. در این دیدگاه شهروند فرهنگی با رویکرد تکثرگرایی فرهنگی همخوانی دارد. زیرا در تکثرگرایی فرهنگی نیز تأکید بر آن است که نگاه‌ها و صداها و متفاوت در جامعه به حساب آورده شود، یعنی اقلیت‌ها، نژادها و مذاهب‌های مختلف نیز مورد احترام و توجه قرار گیرند (قلناش ۱۳۹۱). شهروندی فرهنگی این است که در درجه اول حضور مستمر شهروندانی که با او متمایز هستند را در یک مجموعه شهری بپذیرد، با حقوق و تکالیف خود نسبت به سایر شهروندان جامعه آشنا شود و برای کسب آن مبارزه کند. از قواعد اجتماعی پیروی کند و منافع جمعی را بر منافع و علائق فردی ترجیح دهد (شربتیان ۱۳۸۷).

فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و توانمندی‌های اکتسابی تک تک افراد جامعه را در برمی‌گیرد و با تصحیح رفتارها، زمینه لازم را برای رشد و توسعه جامعه فراهم می‌کند (Tobias 1997).

ترنر^۷ (۲۰۰۶)، شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی دانسته که به افراد در یک جامعه شهری، هویت رسمی و قانونی داده است و این حقوق و الزامات اجتماعی و قانونی ریشه تاریخی و تکاملی در سیر زندگی اجتماعی انسان دارد و باعث شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و قانونی یک جامعه شهری چون نظام قضایی، پارلمانی و دولت رفاه شده است. ترنر بر مبنای دیدگاه جامعه‌شناختی خود موضوع شهروندی فرهنگی را به نهادهای اجتماعی جامعه معطوف کرده که این نهادهای اجتماعی هر کدام بیان‌کننده نوع خاصی از حقوق شهروندی و الزاماتی است که شهروندان باید نسبت به انجام آن حقوق در یک نظام سیاسی انجام دهند (فتحی و ثابتی ۱۳۹۱). از دید ترنر در حقوق

«چند قومی» استفاده کند. دولت نیز، دولتی چندفرهنگی است که اعضای آن یا از ملت‌های مختلفی تشکیل شده و یا مهاجران سرزمین‌های دیگر آن را سازمان داده‌اند بخارایی و دیگران (۱۳۹۶).

کیملیکا معتقد است، با توجه به اهمیت بستر فرهنگ ملی برای شهروندی، جامعه سیاسی باید از همه فرهنگ‌های قومی حمایت کند و حقوق اشتراکی فرهنگ اقلیت‌ها را به رسمیت بشناسد. در فرهنگ شهروندی، مدیریت شهری در کنار ساز و کارهای قانونی، رعایت اخلاق شهروندی را باید به نظام‌های عرفی و درونی کنشگران اجتماعی سوق دهد؛ به این منظور باید برنامه‌ریزان و کارشناسان مدیریت شهری ابتدا هر شهروندی را نسبت به حقوق و وظایف خود و دیگران به طور مستمر و دائم آگاه کنند، سپس این آگاهی را درونی یا نهادینه کنند. در کنار این آگاهی و نهادینه کردن، مدیران شهری باید از طریق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی شرایطی را ایجاد کنند تا شهروندان بتوانند در موقعیت‌های متعادل از حقوق شهروندی خود استفاده کنند و در عین حال به وظایف خود نسبت به سایر شهروندان و مدیریت شهری عمل نمایند. این تعامل دو سویه میان کنشگران، روابط شهری متعادل را ایجاد می‌کند که این فرایند در توسعه شهری بسیار اثرگذار است شربتیان (۱۳۸۷).

یانگ نظریه شهروندی متمایز خود را بر نقد رادیکال نظریه شهروندی لیبرال بنا می‌کند. وی معتقد است نظریه شهروندی لیبرال در عین این که رهایی‌بخش است سرکوب‌گر نیز هست. بدین معنا که نظریه شهروندی لیبرال با طرح موضوع همه شمولی بتدریج، امتیازات اشرافی را با ادعای حقوق سیاسی برابر به چالش کشید؛ اما در عین حال دو معنای دیگر از همه شمولی را نیز پرورش داد که بعد رهایی‌بخشی شهروندی را مخدوش می‌سازد. یک معنا عمومیت است که بر اساس آن شهروندان می‌بایست به منظور اجماع بر سر خیر مشترک، تفاوت‌های خود را کنارگذارند. معنای دیگر

شهروندی، شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می‌شود و دارای منابع مهم اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع سیاسی، آزادی بیان و منابع فرهنگی چون تعلیم و تربیت و آموزش است شیانی و دلوند (۱۳۹۰). وی معتقد است آگاهی از حقوق در میان اقوام مختلف متفاوت است. در بین شرایط اجتماعی باید به نقش رسانه‌های جمعی توجه ویژه نمود چرا که هم‌چون واسطه‌ای آگاهی اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰). ترنر (۲۰۰۱) معتقد است: «شهروندی فرهنگی به مشارکت فرهنگی افراد در جامعه مربوط می‌شود و شهروند فرهنگی کسی است که خود را نسبت به مشارکت در امور مربوط به فرهنگ عمومی جامعه مسئول بداند».

کیملیکا^۸ به تبارشناسی دو الگوی کلی (اقلیت‌های ملی و گروه‌های قومی) درباره شکل‌گیری چندگونگی فرهنگی می‌پردازد. الگوی نخست؛ از ترکیب و ادغام فرهنگ‌های خود مختار قبلی با یک سرزمین معین در یک دولت متمرکز تشکیل یافته است. به نظر وی اکثر جوامع مدرن یک دولت - ملت نیستند، بلکه معمولاً به دلیل وجود بیش از یک ملت در درون هر یک از آنها، دولتی چند ملیتی هستند. ویژگی اصلی اقلیت‌های ملی این است که آنها می‌خواهند تا هویت خودشان را به عنوان جوامع متمایز، در کنار فرهنگ اکثریت حفظ کنند و یا به دنبال کسب استقلال و یا خود مختاری برای حفظ بقاء خودشان به عنوان جوامع متمایز هستند. الگوی دوم؛ اصطلاح «گروه‌های قومی» است که بر اثر مهاجرت افراد و خانواده‌ها شکل گرفته است. ویژگی متمایز این الگوی چند فرهنگی این است که آنها خواهان ادغام و ترکیب در درون جامعه بزرگتری هستند که عضویت کامل را در درون آن پذیرفته‌اند؛ اما در عین حال، در پی به رسمیت شناخته شدن بیشتر هویت قومی خویش هستند و می‌کوشند تا به نوعی هم‌سازی فرهنگی دست پیدا کنند. وی اصطلاح چندفرهنگی را گیج‌کننده می‌داند و ترجیح می‌دهد تا از اصطلاح «چند ملیتی» و

«شخصیت مدنی» قائل بود؛ زیرا فاقد ویژگی «مشارکت اقتصادی» در جامعه و محل زندگی خویش است محسنی (۱۳۸۹).

مشارکت یکی از ابعاد سرمایه فرهنگی است. به اعتقاد بوردیو^{۱۰} (۱۹۹۷) سرمایه می‌تواند دارای اشکال مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد. مفهوم سرمایه فرهنگی دارای سه بعد اصلی است: بعد تجسم یافته یا ذهنی که شامل تمایلات و گرایش‌های روانی فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی است. بعد عینی که شامل میزان مصرف کالاهای فرهنگی است. بعد نهادی که شامل مدارک و مدارج تحصیلی و علمی - فرهنگی فرد است شارع‌پور و خوشفر (۱۳۸۱). در مطالعه حاضر، بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی که همان تمایلات و گرایش‌های فرهنگی است را به عنوان یکی از مؤلفه‌هایی که برای سنجش متغیر شهروندی فرهنگی لازم است در نظر گرفته شده است.

بوردیو بر رابطه دیالکتیکی میان ساختارهای عینی و پدیده‌های ذهنی تأکید می‌کند؛ از یک سوی، ساختارهای عینی مبنای صورت‌های ذهنی را تشکیل می‌دهند و الزام‌های ساختاری را که بر کنش‌های متقابل وارد می‌شوند را تعیین می‌کنند. از سوی دیگر، اگر کسی خواسته باشد تلاش‌های روزانه فردی و جمعی که در جهت تغییر و یا حفظ این ساختارها عمل می‌کنند را بررسی کند، باید این صورت‌های ذهنی را در نظر بگیرد. بوردیو برای دوری جستن از این تعارض عینیت‌گرایانه و ذهنیت‌گرایانه، بر عملکرد تأکید می‌کند که پیامد رابطه دیالکتیکی میان ساختار و عاملیت است. ساختارهای عینی را می‌توان امکانات اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و... در نظر گرفت. این ساختارهای عینی مستقل از آگاهی و اراده عاملان انسانی هستند که می‌توانند عملکردها را به صورت‌های ذهنی هدایت کنند و انسان‌ها از طریق ساختارهای ذهنی با جهان اجتماعی برخورد می‌کنند. به گونه‌ای که با ملکه ذهن شدن

یکسانی و متحدالشکلی است که براساس آن قوانین، فارغ از میزان تأثیر آن بر افراد و گروه‌ها به صورت یکسان بر همه اعمال می‌شوند. در این معنا، قوانین تفاوت‌های فردی و گروهی را در نظر نمی‌گیرند (young 1989). از نظر یانگ، این دو معنا از همه شمولی، متضمن طرد، محرومیت و سرکوبی گروه‌های اجتماعی متفاوت از جمله زنان است. بر همین اساس، یانگ شهروندی عمومی به معنای پذیرش یک خیر همگانی توسط تمامی شهروندان و شهروندی متحدالشکل به معنای رفتار یکسان با همه شهروندان را نافی مشارکت اجتماعی کامل تمامی گروه‌ها در عرصه سیاسی و اجتماعی می‌داند. این دو معنا از شهروندی مستلزم همسان‌سازی یا جذب فرهنگی از یک سو، طرد و سرکوب تفاوت‌های فرهنگی از سوی دیگر است. در مقابل؛ شمولیت و مشارکت همه گروه‌ها در زندگی سیاسی - اجتماعی مستلزم شهروندی متمایز یا همان اعطای حقوق خاص به گروه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت است فالکس (۱۳۹۰). از نظر یانگ گروه‌های متفاوت باید بتوانند ضمن حفظ هویت‌های متفاوت در عرصه اجتماعی مشارکت نمایند. لذا قواعد حاکم بر نهادهای اجتماعی باید اصلاح شوند تا فرهنگ عمومی شرایط متکثر را بپذیرد (young 1990)

از دید کانت^۹، شهروندی نمودار عضویت و فعالیت شخص در جامعه به منظور ساختن اجتماع خویش است. شهروند فقط جایی به معنی واقعی و مفهوم «فعال» آن وجود دارد که در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداره شهر خویش مشارکت نماید. این وضعیت فی‌نفسه تعهداتی بر دوش شهروند می‌نهد؛ او مکلف به اعلام رأی خویش (مشارکت سیاسی)، انجام تکالیف گروهی (مشارکت اجتماعی) و ایفای نقش در ساختار فرهنگی جامعه خویش (مشارکت فرهنگی) است و در موردی که حیات و دوام او وابسته به شخص دیگری (غیر از دولت) است نباید برای شهروند

ضروری پیدا کنند. پوپر از بعد برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی به بسط تقویت فضاها و جامعه مدنی پرداخته است و از این اندیشه چنین استنباط می‌شود که مدیریت شهری برای تحکیم و بسط فرهنگ شهروندی در کنار حوزه‌های آموزشی چون خانواده و آموزش و پرورش، فضاها و اجتماعی و فرهنگی دیگری را در جای جای شهر به وجود آورده است. کارکرد اصلی این فضاها در زمینه توسعه و آموزش فرهنگ شهروندی و شهرنشینی قرار دارد و به صورت مستمر و پیاپی شهروندان را با ابعاد مختلف حقوق شهروندی آشنا کرده و ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی یک شهر را در ذهن شهروندان نهادینه می‌کند فتحی و ثابتی (۱۳۹۱).

از نظر ژانوسکی^۱، شهروندی عضویت فعال و منفعل افراد در یک دولت - ملت با حقوق و تعهدات همگانی در یک سطح مشخص شده‌ای از برابری می‌باشد. به نظر او حقوق شهروندی، حقوقی هستند که گروه‌های مختلف از آنها حمایت می‌کنند و توسط دولت تثبیت و تأیید می‌شوند و دارای ضمانت اجرایی هستند. وی در تعریف جامعه مدنی، به اثر متقابل گروه‌های داوطلب در فضای دولتی تأکید می‌کند؛ جامعه مدنی فضایی برای یک گفت‌وگو عمومی و واکنشی و پویا بین دولت، فضای عمومی شامل سازمان‌های داوطلبانه و فضای بازار مرتبط به شرکت‌ها و اتحادیه‌های خصوصی را نمایش می‌دهد. اعضای این جامعه مدنی می‌توانند در این فضای گفت‌وگویی، ادعاها و مطالبات خود را مطرح کرده و شهروندی ایجاد کنند که درگیر در بحث و گفت‌وگو باشد (Janoski 1998). ژانوسکی هم‌چنین بر حقوق و مسئولیت‌های شهروندی تأکید دارد. به نظر او باید در سطح کلان بسته‌های حقوقی با بسته‌های مشابه تعهدات شرح داده شوند، زیرا حقوق برای اجرا شدن‌شان به تعهدات نیازمند است، به عبارتی تعهدات اجرا کننده حقوق هستند و اگر حقوق اجرا نشوند در واقع وجود نخواهند داشت. او تعهدات شهروندی را به

بسیاری از ارزش‌ها و هنجارها و عوامل خارجی، عملکردهایشان را تولید و ارزش‌گذاری می‌کنند. البته بوردیو به این نکته اشاره دارد که ساختمان ذهنی افراد مطابق با جایگاه و طبقه اجتماعی‌شان در جهان اجتماعی تغییر می‌پذیرد (توسلی ۱۳۸۳).

در قالب نظریه بوردیو؛ وجود ساختارها و امکانات مانند ساختارهای اجتماعی و فرهنگی می‌تواند بر فرهنگ شهروندی یا ساختارهای ذهنی افراد که متأثر از ملکه ذهن شدن ارزش‌ها و هنجارها و عوامل خارجی است، مؤثر واقع شود. به گونه‌ای که هر اندازه امکانات و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دقیق، مطلوب و با کیفیت بهتری عرضه شده و مورد پذیرش واقع شوند، احتمالاً بر ارزش‌ها، هنجارها، عملکرد و کنش شهروندان در قالب فرهنگ شهروندی مؤثر واقع می‌شوند. کفاشی (۱۳۸۷)

در نظریه پوپر^۱، بر هویت مدنی در قالب مفهوم فرهنگ شهروندی تکیه شده است. وی معتقد است که در فرهنگ جامعه دموکراتیک و مدنی؛ شهروندی، انسانی آزاد و مختار است که فقط در میان یک جمع زندگی نکرده است، بلکه با آن جمع که خود را شهروند آن فضای حاکم می‌داند، یک جامعه را شکل می‌دهد و به وسیله پیوند با یکدیگر ارتباطات متنوعی دارد. در جامعه‌ای که شهروندان از تمام حقوق خود محروم باشند، حق نافرمانی از جامعه را پیدا می‌کنند اما این مسأله به معنای نقض اصول جامعه مدنی نیست. به نظر او در فرهنگ شهروندی از شهرنشینی فاصله گرفته‌ایم و نوعی احساس را برای شهروندان یک جامعه ایجاد کرده‌ایم. مفهوم یا احساس شهروندی خود به خود به واسطه تجمع افراد در کنار یکدیگر ایجاد نمی‌شود، بلکه باید نهادهای متکفل این احساس را ایجاد کنند، نهادهایی مثل «انتخابات، تأمین اجتماعی، مالیات یا رسانه‌ها و...» می‌توانند چنین هویتی را ایجاد و همه این نهادها در یک جامعه سنتی یا در حال گذار با چنین هدفی باید هویت

و تعلیم و تربیت بر میزان آگاهی دانشجویان موثر است. به طوری که میزان آگاهی از حقوق شهروندی در دانشجویان دانشگاه آزاد کمتر از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی است. این نتیجه به ویژه در آگاهی از حقوق جنسیتی، حقوق مدنی، حقوق فرهنگی، و حقوق اجتماعی بدست آمده است. بیشترین میزان آگاهی در میان دانشجویان هر دو دانشگاه نیز مربوط به حقوق جنسیتی و کمترین میزان آگاهی مربوط به حقوق مدنی است. علاوه بر آن به نقش رسانه‌های جمعی در آگاه‌سازی و ارائه اطلاعات به آنان اشاره کرده که منجر به شکل‌گیری آگاهی اجتماعی می‌شود. نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار بین میزان پیگیری اخبار و وقایع سیاسی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان بوده است.

محمدی و تبریزی (۱۳۹۰) در پژوهشی میزان آگاهی عمومی به حقوق شهروندی و قوانین را سنجیده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میزان آگاهی از حقوق شهروندی در جامعه آماری مورد مطالعه بسیار اندک است و شاخص مذکور با جنسیت و تغییرات سنی شهروندان ارتباطات معناداری داشته و میزان تحصیلات دانشگاهی بر این شاخص تأثیر گذار نیست.

پورعزت و دیگران (۱۳۸۷) در پژوهش تطبیقی پیرامون الگوی منطقی منشور حقوق شهروندی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که همه قوانین و مقررات شهروندی انسانی مستلزم برخورداری از حق احترام برابر، آزادی، امنیت، آسایش، آگاهی و حق پیشرفت است. البته در برابر این حقوق، تکلیف به مساعدت مسئولانه در سیستم اجتماعی بر عهده عناصر اجتماعی قرار می‌گیرد.

فاطمی نیا (۱۳۸۶) تحقیقی در زمینه شهروندی و فرهنگ شهروندی انجام داده است. یافته‌ها نشان داد که شهروندی و فرهنگ شهروندی محصول و محمل تعهد و مسئول بودن عناصر مختلف جامعه است و تحقق آن نیازمند یک حرکت دو سویه است، یکی از

چهار نوع قانونی، سیاسی، اجتماعی و مشارکتی دسته‌بندی می‌کند. ملاپور (۱۳۹۱).

طبق نظریات مطرح شده، سرمایه فرهنگی عاملی تأثیرگذار بر فرهنگ شهروندی است، به گونه‌ای که افزایش در میزان سرمایه عینی و سرمایه نهادی، میزان آگاهی شهروندان و تمایل‌شان را برای اجرای تعهدات شهروندی افزایش می‌دهد. همچنین بین فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی نیز رابطه همبستگی در نظر گرفته می‌شود. یعنی با افزایش میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و تمایل برای انجام تعهدات‌شان، به نظر می‌رسد که شهروندان تمایل بیشتری برای پذیرش تنوعات فرهنگی و گرایش‌های فرهنگی داشته باشند.

پیشینه پژوهش

تحقیقات بسیاری در زمینه شهروندی انجام شده که ابعاد متفاوتی از آن را بررسی کرده‌اند. نوری و گل‌پرور (۱۳۹۰) تحقیقی در زمینه برخورداری زنان از حقوق شهروندی ارائه کرده‌اند، نتایج نشان می‌دهد بهبود موقعیت زنان موجب مشارکت اجتماعی بیشتر آنان و در نتیجه پیشرفت جامعه می‌گردد. حقوق شهروندی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حقوق فردی و معرف‌های نابرابری‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی سهم به سزایی در احساس عدالت اجتماعی و در نهایت توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد. داده‌ها نشان می‌دهد که میزان برخورداری زنان از حقوق شهروندی پایین است. همچنین متغیرهای طبقه اجتماعی، جامعه‌پذیری جنسیتی، تقسیم جنسیتی کار خانگی، سن و وضعیت تأهل بر میزان برخورداری زنان از حقوق شهروندی مؤثر است.

شیانی و دالوند (۱۳۹۰) به بررسی تطبیقی شهروندی در دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه رسیدند که شرایط فرهنگی

بالا به پایین که همان فرصت‌دهی و مشارکت‌جویی ساختار کلان است و دیگری حرکت از پایین به بالا که همان مشارکت و فعالیت اجتماعی شهروندان برای حضور در عرصه‌های مختلف جامعه، به ویژه عرصه عمومی است.

کبیری (۱۳۹۳) در پیمایشی به بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی در بین زنان و مردان شهر تنکابن پرداخته است. نتیجه این که بین سرمایه نهادی و عینی فرهنگ شهروندی رابطه وجود داشت. بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و شهروندی فرهنگی نیز رابطه معنی‌دار بود. همچنین بین سرمایه فرهنگی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی رابطه معنی‌دار بود اما بین سرمایه فرهنگی و شهروندی فرهنگی رابطه معنی‌داری وجود نداشت.

گود^{۱۳} (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان شهروندی فرهنگی آنلاین به بررسی ارتباط بین شهروندی فرهنگی و رسانه‌ای (اینترنت) می‌پردازد. در این پژوهش استدلال می‌شود که درگیر شدن با کمک‌های شهروندی فرهنگی مباحث انتقالی فراتر از شکاف دیجیتالی است. شهروندی فرهنگی، آگاهی فرهنگی و تنش‌های فرهنگی جامعه باید به صورت آنلاین فراخوانی شود. نتایج این که اینترنت باید به عنوان یک آرشو فرهنگی باز در خدمت شهروندان قرار بگیرد و آنها آزادانه از آن استفاده کنند. دوچرتی^{۱۴} و همکاران (۲۰۰۱) در تحقیقی با عنوان فرهنگ مدنی، جامعه و مشارکت شهروندان در محله‌های متضاد به این نتیجه رسیدند که فرهنگ مدنی، نهادهای سیاسی، سیاست‌های عمومی و آموزش در مشارکت شهروندان موثر است.

روش تحقیق

این تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی و به لحاظ هدف کاربردی است که با روش پیمایشی انجام شده است. جامعه

آماري شامل زنان و مردان واقع در سن فعالیت (۱۵ تا ۶۴ سال) شهر کرج در سال ۱۳۹۶ بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۸۴ نفر محاسبه شد. از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است. با توجه به تعداد نمونه و جمعیت مناطق شهری به صورت تصادفی تعدادی از افراد به عنوان جمعیت نمونه از محلات مختلف شهر انتخاب گردیده و اطلاعات مورد نیاز از شهروندان با استفاده از تکنیک پرسشنامه گردآوری شد. برای اعتبار ابزار تحقیق از روش روایی صوری و از پرسشنامه‌های تحقیقات مشابه و برای پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. با توجه به این که ضریب آلفای به دست آمده بیش از ۰/۷ بود، پرسشنامه‌ها تکثیر و در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. در مواردی که پاسخگویان سواد کافی نداشتند پرسشنامه‌ها به صورت مصاحبه تکمیل شدند. پرسشنامه حاوی سوال‌های جمعیتی از جمله سن، جنس، تحصیلات و درآمد ماهانه خانوار بود. متغیرهای اصلی از جمله شهروندی فرهنگی از طریق سه مولفه مشارکت (با ۶ سوال)، میزان پذیرش تنوعات فرهنگی (با ۷ سوال) و گرایشات فرهنگی (با ۵ سوال) سنجیده شد. فرهنگ شهروندی با دو مولفه آگاهی از حقوق شهروندی (با ۱۴ سوال) و تمایل به اجرا یا انجام تعهدات شهروندی (با ۶ سوال) سنجیده شد.

سرمایه فرهنگی نیز در سه بخش ذهنی (با ۶ سوال)، عینیت‌یافته (با ۲ سوال) و نهادی‌شده (با ۸ سوال) سنجیده شد.

یافته‌های پاسخگویان براساس آمار توصیفی و استنباطی و با به کارگیری نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. وضعیت نرمال بودن متغیرهای تحقیق به وسیله آزمون کلموگروف - اسمیرنوف (جدول ۱) بررسی و با توجه به این که سطح معنی‌داری متغیرها بیش از ۰/۰۵ شد لذا نرمال بودن متغیرها مورد تایید قرار گرفت.

جدول ۱ - آزمون توزیع نرمال داده‌ها

متغیرها	S - K	sig
شهروندی فرهنگی	۰/۹۱	۰/۸۳
فرهنگ شهروندی	۰/۷۲	۰/۳۲
سرمایه فرهنگی	۰/۹۴	۰/۰۹۶

از آنجایی که متغیرها نرمال بوده و سطح سنجش آنها فاصله‌ای است، از آزمون همبستگی پیرسون برای رابطه بین متغیرها و آزمون رگرسیون برای میزان تأثیر متغیر مستقل (فرهنگ شهروندی) و متغیر واسط (سرمایه فرهنگی) بر روی متغیر وابسته (شهروندی فرهنگی) استفاده شده است.

سنی ۲۶ تا ۳۵ سال قرار داشتند. حدود ۷۵٪ مردان و حدود ۴۵٪ زنان شاغل بوده‌اند. حدود نیمی از مردان شاغل درآمد بین یک تا دو میلیون تومان در ماه و حدود نیمی از زنان شاغل دارای درآمد زیر یک میلیون تومان در ماه بودند. بیشترین افراد دارای تحصیلات لیسانس و سپس دیپلم بودند.

متغیرهای اصلی (سرمایه فرهنگی، شهروندی فرهنگی و فرهنگ شهروندی) با گویه‌های مربوطه و طیف لیکرت سنجیده (جدول ۲) و فراوانی پاسخ‌های سه متغیر بصورت تقاطعی استخراج شده است..

یافته‌های توصیفی نشان داد که ۶۶٪ پاسخگویان مرد و ۴۴٪ زن بوده‌اند. بیشترین درصد پاسخگویان در گروه

یافته‌های تحقیق

جدول ۲ - توزیع فراوانی فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی برحسب سرمایه فرهنگی پاسخگویان

کل	سرمایه فرهنگی					شاخص‌ها	
	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	خیلی کم		
۸	۳	۰	۰	۵	۰	خیلی کم	
۲۴	۷	۲	۷	۸	۰	کم	
۹۲	۶	۱۸	۲۹	۳۴	۵	تاحدودی	
۱۰۴	۱۸	۲۷	۳۴	۱۷	۸	زیاد	
۱۵۶	۱۷	۳۷	۴۷	۴۵	۱۰	خیلی زیاد	
۴	۴	۰	۰	۰	۰	خیلی کم	
۴۹	۴	۴	۱۹	۱۱	۱۱	کم	
۲۰۳	۳۳	۴۶	۶۱	۵۹	۴	تاحدودی	
۸۸	۹	۳۲	۱۸	۲۶	۳	زیاد	
۴۰	۱	۲	۲۰	۱۳	۴	خیلی زیاد	
۳۸۴	۵۱	۸۴	۱۱۸	۱۰۹	۲۲	کل	

داده‌های جدول نشان می‌دهد از بین ۳۸۴ پاسخگو نفر دارای سرمایه فرهنگی زیاد و خیلی زیاد و ۱۳۱ نفر دارای سرمایه فرهنگی کم و خیلی کم هستند. ۱۲۸ نفر دارای فرهنگ شهروندی زیاد و خیلی زیاد و ۲۶۰ نفر دارای فرهنگ شهروندی کم و خیلی کم هستند. ۵۳ نفر دارای فرهنگ شهروندی زیاد و خیلی زیاد و فقط ۳۲ نفر دارای فرهنگ شهروندی کم و خیلی کم هستند.

دارای فرهنگ شهروندی کم و خیلی کم هستند در حالی که بیش از نیمی از پاسخگویان (۲۰۳ نفر) گزینه تا حدودی را برای پاسخ به گویه‌های فرهنگ شهروندی انتخاب کرده‌اند. برای مقایسه بهتر متغیرهای پژوهش آماره‌های سه متغیر اصلی (جدول ۳) با توجه به گویه‌های مورد سنجش مورد مقایسه قرار گرفت.

جدول ۳ - آماره‌های سرمایه فرهنگی، شهروندی فرهنگی و فرهنگ شهروندی

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار
سرمایه فرهنگی	۳۸۴	۷۶/۴	۱۶/۳۵
شهروندی فرهنگی	۳۸۴	۹۲/۱	۱۸/۴۲
فرهنگ شهروندی	۳۸۴	۸۴/۳	۱۹/۶۲

جدول فوق، شاخص‌های آماری متغیرهای سرمایه فرهنگی، شهروندی فرهنگی و فرهنگ شهروندی را نشان می‌دهد، میانگین متغیر سرمایه فرهنگی با ۱۶ گویه برای سنجش آن برابر ۷۶/۴ بدست آمده است و دارای انحراف معیار ۱۶/۳۵ می‌باشد. با توجه به میانگین این متغیر، می‌توان گفت که شهروندان کرجی از سرمایه فرهنگی خوب و در حد متوسطی برخوردارند. میانگین متغیر شهروندی فرهنگی با ۱۸ گویه برای سنجش آن برابر ۹۲/۱ بدست آمده است و دارای انحراف معیار ۱۸/۴۲ می‌باشد. باید گفت شهروندان کرجی از شهروندی فرهنگی در سطح بالا و خوبی برخوردار هستند. میانگین متغیر فرهنگ شهروندی نیز با ۲۰ گویه برای سنجش آن برابر ۸۴/۳ بدست آمده است و دارای انحراف معیار ۱۹/۶۲ می‌باشد. می‌توان گفت شهروندان در کرج از فرهنگ شهروندی نسبتاً خوبی برخوردارند. بالا بودن شهروندی فرهنگی نشان می‌دهد که ساکنین شهر کرج به رغم قومیت‌های مختلف به خوبی در کنار هم زندگی می‌کنند.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه ۱ - بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی رابطه معناداری وجود دارد

آزمون	تعداد	شدت رابطه	سطح معنی داری
همبستگی پیرسون	۳۸۴	۰/۲۲۸	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان گفت که بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. در نتیجه با توجه به سطح معنی داری (sig=۰/۰۰۱) با اطمینان این فرضیه تأیید می‌شود. شدت رابطه بین دو متغیر ۰/۲۲۸ است که نشان دهنده همبستگی ضعیف بین دو متغیر است. بنابراین می‌توان گفت که با افزایش میزان سرمایه فرهنگی افراد میزان فرهنگ

فرضیه ۲ - بین فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد

آزمون	تعداد	شدت رابطه	سطح معنی داری
همبستگی پیرسون	۳۸۴	۰/۶۱۱	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول می توان بیان داشت که بین فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. در نتیجه با توجه به سطح معنی داری ($sig=0/000$) با اطمینان این فرضیه مورد تأیید است. شدت رابطه بین دو متغیر 0/611 است.

فرضیه ۳ - بین سرمایه فرهنگی و شهروندی فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد

آزمون	تعداد	شدت رابطه	سطح معنی داری
همبستگی پیرسون	۳۸۴	-۰/۳۶۰	۰/۶۷۹

با توجه به نتایج بدست آمده می توان بیان داشت که بین سرمایه فرهنگی و شهروندی فرهنگی رابطه معنی داری وجود ندارد. در نتیجه با توجه به سطح معنی داری ($sig=0/679$) این فرضیه مورد تأیید نیست. بنابراین با افزایش میزان سرمایه فرهنگی افراد میزان شهروندی فرهنگی آنان، تغییری نمی کند، یعنی تغییر در میزان استفاده از کالاهای فرهنگی مانند کتاب، مجلات تلویزیون (شبکه های داخلی و ماهواره ای) رادیو، اینترنت، شبکه های اجتماعی و... (سرمایه فرهنگی عینیت یافته) و میزان تحصیلات (سرمایه نهادی شده) بر شهروندی فرهنگی تغییری ایجاد نمی کند. این نتیجه برخلاف نظریه بورديو (تأکید بر رابطه دیالکتیکی میان ساختارهای عینی و پدیده های ذهنی) است. شهروندان این شهر افکار و رفتارهای متفاوتی دارند و صورت های ذهنی افکار قالبی آنها همسو با عملکرد روزانه شان نیست. شاید دلیلش آن باشد که ساکنین شهر کرج از نقاط مختلف ایران گردهم آمده اند و بخاطر زندگی در کنار یکدیگر از باورهای ذهنی خود به نفع تعامل با دیگران گذشته اند و یا هم چنان در نهان خانه ذهن خود بایگانی کرده اند همان گونه که در بخش نظری اشاره شد که شهروندی حضور مستمر شهروندان متمایز با خودش را در یک مجموعه شهری می پذیرد.

آزمون های فوق رابطه یا عدم رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته را نشان داد. اما تعیین سهم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از طریق رگرسیون چند متغیره (جدول ۴) انجام و نتایج زیر بدست آمد. البته فرضیه سوم نشان داد که سرمایه فرهنگی با شهروندی فرهنگی رابطه معنی داری ندارد. لذا به طور مستقیم تغییری در متغیر وابسته ایجاد نمی کند. در نتیجه نیازی به آزمون رگرسیون بین این دو متغیر ضرورت ندارد.

جدول ۴ - آزمون رگرسیون بین متغیر رابط فرهنگ شهروندی با متغیر وابسته شهروندی فرهنگی

تعداد مدل	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین R2	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد	سطح معنی داری
۱	۰/۴۹۷ ^a	۰/۲۱۶	۰/۲۰۳	۱/۶۴۰۸۱	۰/۰۰۰

ضریب همبستگی (R) بدست آمده نشان می دهد که بین تغییر در متغیر مستقل با میزان تغییرات در متغیر وابسته همبستگی وجود دارد. مقدار این همبستگی 0/497 است که با توجه به سطح معنی داری 0/000 نشان از همبستگی قوی بین متغیر فرهنگ شهروندی با متغیر وابسته شهروندی فرهنگی است. ضریب R2،

میزان تبیین واریانس و تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل را نشان می‌دهد، مقدار این ضریب ۰/۲۱۶ است و بدان معنی است که متغیر رابط نقش ضعیفی در تبیین واریانس متغیر وابسته دارد و این حاکی از آن است که متغیرهای دیگری بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند. ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۲۰۳) نشان دهنده این است که با هر تغییر متغیر واسطه، متغیر وابسته شهروندی فرهنگی به میزان ۲۰٪ تغییر می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

فرهنگ شهروندی متغیری است که شکل‌دهنده سبک زندگی و هادی تعاملات شهروندان با دیگران است. یافته‌ها نشان داد که پاسخگویان به طور میانگین از فرهنگ شهروندی متوسط رو به بالایی برخوردارند و این حاکی از آن است که شهروندان مورد مطالعه تا حدودی از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترکی برخوردارند، دارای احساس تعلق به جامعه و احساس تعهد و احترام نسبت به یکدیگر هستند و همچنین تا حدودی حقوق و تعهدات شهروندی را تشخیص می‌دهند. از آنجایی که سطح فرهنگ شهروندی می‌تواند بر نوع سبک زندگی شهروندان و نوع تعامل‌شان با دیگران تأثیرگذار باشد، می‌تواند بر میزان شهروندی فرهنگی و میزان پذیرش تفاوت‌ها، مشارکت در جامعه و گرایش‌های فرهنگی‌شان تأثیر مثبتی داشته باشد. شهروندان علاوه بر پذیرش تنوعات فرهنگی، مشارکت فرهنگی زیادی نیز دارند، آنها تمایل دارند تا از حقوق ویژه افراد با تفاوت‌های فرهنگی حمایت شود و دیدگاه‌ها و نیازهای متفاوت دیگران مورد توجه قرار گیرد. شهروندان تا حدودی حضور شهروندان دیگر را که با او در زبان، نژاد، رنگ و قومیت و... متمایز هستند را در یک مجموعه شهری پذیرفته‌اند و تا حدودی با حقوق و تکالیف خود نسبت به سایر شهروندان آشنا هستند و همچنین برای کسب آن مبارزه می‌کنند. این شهروندان نسبت به اجتماع خود احساس

مسئولیت کرده و با دستگاه‌های اجرایی و انجمن‌های موجود حاکم بر جامعه همکاری و مشارکت دارند. تا حدودی با نژادها و اقلیت‌های مدنی همزیستی مسالمت‌آمیز دارند و به طرد و تحقیر دیگرانی که تفاوت فرهنگی دارند، نمی‌پردازند. بنابراین با ارتقاء سطح فرهنگ شهروندی آنان، توانسته بر پدیده شهروندی فرهنگی افراد مورد بررسی تأثیر مستقیم و مثبتی گذارد.

پژوهش حاضر در انطباق با نظریه ترنر نشان داد، شرایط فرهنگی و تعلیم و تربیت بر میزان آگاهی شهروندان موثر است. این نتایج، یافته‌های تحقیق شینانی را تایید می‌کند و تمایل به انجام تعهدات (۴۲/۳۴ درصد) در سطح متوسط و رو به بالا ارزیابی شده‌اند. اما با نتایج تحقیق نوری و گل‌پرور (۱۳۹۰) مطابقت ندارد، البته آنها حقوق شهروندی زنان را در نظر گرفته‌اند که در سطح پایین است.

براساس یافته‌های پژوهش، پدیده شهروندی فرهنگی تحت تأثیر فرهنگ شهروندی قرار دارد. اگرچه این عامل بر همه شهروندان تأثیر یکسانی نخواهد داشت و عوامل دیگری نیز می‌تواند در وضعیت شهروندی فرهنگی افراد یک جامعه تأثیرگذار باشد، اما نبود و کاهش آن نیز می‌تواند با کاهش میزان شهروندی فرهنگی در جامعه همراه باشد. این نتیجه با پژوهش کبیری (۱۳۹۳) همسوست. طبق نظر بوردیو پایین بودن سرمایه فرهنگی سبب می‌شود عملکرد شهروندان در جامعه ضعیف‌تر گردد. در نتیجه میزان فرهنگ شهروندی نیز در بین آنها کاهش می‌یابد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بیشتر شهروندان مورد بررسی به طور میانگین از سرمایه فرهنگی متوسط رو به بالا برخوردارند. زیرا الزام‌های ساختاری کنش شهروندان کرجی را تعیین می‌کند اما صورت‌های ذهنی افکار قالبی آنها همسو با عملکرد روزانه‌شان نیست. ژانوسکی بر حقوق و مسئولیت‌های شهروندی تأکید دارد و آن را اجرا کننده حقوق می‌داند. لذا با توجه به نتایج تحقیق، کاهش در

میزان فرهنگ شهروندی افراد بر وضعیت شهروندی فرهنگی تاثیرگذار است.

با توجه به نظر یانگ و کیملیکا در شهروندی فرهنگی باید اقلیت‌های قومی برای حفظ فرهنگ‌شان دارای حقوق خاص بوده و از همه مزایای شهروندی برخوردار باشند. هر چه میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و تمایل‌شان برای اجرای تعهدات‌شان کمتر باشد، کمتر تنوعات فرهنگی مانند تنوع قومی، زبانی و مذهبی و... را می‌پذیرند و ساختار ذهنی نامناسب‌تر و گرایش‌های فرهنگی پایین‌تری دارند. یافته‌های مربوط به متغیر شهروندی فرهنگی نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان از شهروندی فرهنگی بالایی برخوردارند. در کل مجموعه‌ای از عوامل مرتبط با یکدیگر بر شهروندی فرهنگی تاثیرگذار است. از این رو برای افزایش سطح شهروندی فرهنگی باید همه عوامل را با یکدیگر در نظر گرفت. در این پژوهش اثر فرهنگ شهروندی بر آن تایید گردید که با نتایج تحقیق کبیری (۱۳۹۳) و شیانی و دالوند (۱۳۹۰) همسوست. لذا با فراهم کردن شرایط مناسب برای افزایش سطح تحصیلات شهروندان و استفاده شهروندان از کالاهای فرهنگی، می‌توان سطح فرهنگ شهروندی را افزایش داد و با گسترش رسانه‌ها و گارگاه‌های آموزشی آگاهی‌شان از حقوق شهروندی و سطح تمایل‌شان برای اجرای تعهدات شهروندی را بالا برد.

در نهایت افزایش میزان سرمایه فرهنگی افراد یعنی میزان استفاده از کالاهای فرهنگی و میزان تحصیلات بر متغیر شهروندی فرهنگی در بین پاسخگویان تغییراتی ایجاد نکرده است. یعنی عوامل مربوط به سرمایه فرهنگی نتوانسته‌اند بر میزان مشارکت، پذیرش تنوعات فرهنگی و گرایش‌های فرهنگی‌شان اثر مستقیم گذارد. این نتیجه با پژوهش کبیری (۱۳۹۳) هم‌چنین با نتایج محمدی و تبریزی (۱۳۹۰) نیز همسوست. به اعتقاد بوردیو تمایلات و گرایش‌های روانی فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی (بعد تجسم‌یافته یا ذهنی)، میزان

مصرف کالاهای فرهنگی (بعد عینی) و مدارک و مدارج تحصیلی و علمی - فرهنگی فرد (بعد نهادی) می‌تواند سرمایه فرهنگی را افزایش دهد. اما در این پژوهش چنین نتیجه‌ای حاصل نشد که می‌توان چنین تبیین نمود که وجود ساختارهای اجتماعی و فرهنگی می‌تواند بر ساختارهای ذهنی افراد که متأثر از ملکه ذهن شدن ارزش‌ها و هنجارها و عوامل خارجی است، تاثیرگذار باشد. به گونه‌ای که هر اندازه امکانات با کیفیت‌تری عرضه و مورد پذیرش واقع شوند، احتمالاً بر عملکرد و کنش شهروندان در قالب فرهنگ شهروندی مؤثر واقع می‌شوند.

راهکارها و پیشنهادها

شهروندی فرهنگی، در جوامعی مانند ایران و به خصوص شهر کرج که بخاطر مهاجرت اقوام مختلف از سراسر کشور به عنوان ایران کوچک معروف است و از تنوعات فرهنگی بالایی برخوردار است، اهمیت دارد. در راستای هدف پژوهش پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- ضرورت اهتمام به انجام مطالعات مشابه توسط پژوهشگران در حیطه ابعاد فرهنگی شهروندی و حمایت همه جانبه شهرداری‌ها و سازمان‌های ذیربط از پژوهش‌ها و پژوهشگرانی که در این زمینه تحقیق می‌کنند، بخاطر اهمیت و کاربردهایی که برای حوزه‌هایی هم‌چون مدیریت شهری می‌تواند داشته باشد.

- تدوین و برنامه‌ریزی جامع آگاه‌سازی در زمینه حقوق و وظایف شهروندی به ویژه برای جوانان پیرامون حقوق فرهنگی شهروندان از جمله انتشار و پخش بروشور و اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های جمعی.

- اولویت قرار دادن آگاهی از پدیده شهروندی در نظام‌های آموزشی و ضرورت آشنایی و آماده‌سازی افراد با مبانی حقوق و وظایف شهروندی به ویژه جوامعی که در ماهیت خود از تنوع فرهنگی قابل توجهی برخوردار هستند.

حسینی، محمد و دیگران (۱۳۹۱). سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان در حیطه ارزش‌ها و هنجارها؛ مطالعه موردی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه ارومیه. فرهنگ. حیدری، یحیی (۱۳۸۹). تبیین وضعیت شهروندی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر زنجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور.

شارع‌پور، محمود و غلامرضا خوشفر (۱۳۸۱). رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان، مطالعه موردی شهر تهران، نامه علوم اجتماعی.

شربتیان، محمدحسین (۱۳۸۷). تاملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن. مطالعات فرهنگ اجتماعی خراسان.

شیانی، ملیحه و طاهره دالوند (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی شهروندی در دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد اسلامی، مجله جامعه‌شناسی ایران.

عزیزی، نعمت‌اله و دیگران (۱۳۸۹). بررسی وضعیت آموزش چند فرهنگی در مراکز تربیت معلم شهر سنندج از منظر دانشجویان، انجمن آموزش عالی ایران.

فاطمی‌نیا، سیاوش (۱۳۸۶). فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، رفاه اجتماعی.

فالكس، کيث (۱۳۹۰). شهروندی. محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.

فتحی، سروش و مریم ثابتی (۱۳۹۱). توسعه ساختار سازمانی شهری و گسترش فرهنگ شهروندی، مطالعات شهری.

قلناش، علی (۱۳۹۱). مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه‌های تربیت شهروندی، پژوهش‌نامه تعلیم و تربیت. مشهد: دانشگاه فردوسی.

کبیری، لیلا (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی در شهر تنکابن، پایان‌نامه

- با توجه به این که جامعه شهری کرج از تنوع قومی و فرهنگی برخوردارست و شهروندی یک سازه اجتماعی و فرهنگی است، باید بستر اجتماعی و فرهنگی این پدیده را با رویکردهای ارزشی، بومی و محلی آن خرده فرهنگ متناسب کرد.

منابع

اذانی، مه‌ری و دیگران (۱۳۹۰). بررسی تاثیر ابعاد کالبدی فضایی بر پیاده‌مداری در شهر تهران. برنامه ریزی فضایی.

استیونسون، نوتل (۱۳۹۲). شهروندی فرهنگی، مسائل جهان شهری، افشین خاکباز، تهران: نشر تیسرا.

افشار، ابراهیم (۱۳۹۳). تحلیل تطبیقی مفهوم شهروندی، ابعاد شهروندی و مولفه‌های تشکیل دهنده آن از دیدگاه لیو وان هبرت، تهران: مقاله نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی.

باقریان، امیر (۱۳۹۰). رسانه‌ها، زندگی شهری و حقوق شهروندان، مجموعه مقالات سمینار رسانه و آموزش شهروندی تهران: اداره کل آموزش‌های شهروندی.

بخارایی، احمد و دیگران (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی (مطالعه موردی: شهروندان تنکابن)، جامعه‌شناسی کاربردی.

پورعزت، علی‌اصغر و دیگران (۱۳۸۷). الگوی منطقی منشور حقوق شهروندی برپایه بررسی تطبیقی اسناد موجود، رفاه اجتماعی.

توانا، محمدعلی (۱۳۹۰). برابری جنسیتی در نظریه شهروندی متمایز آبریس ماریون یانگ. زن در توسعه و سیاست. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۳). تحلیلی از اندیشه پیر بوردیو درباره فضای منازعه‌آمیز اجتماعی و نقش جامعه‌شناسی، نامه علوم اجتماعی.

حاجی‌محمدی، علی (۱۳۸۹). رسانه ملی و شکل‌دهی به الگوی بینه مصرف شهروندان در مسائل شهری: اتخاذ یک مدل نظری، پژوهش‌های ارتباطی.

- پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای.
- Bellemy, R (2008). *Citizenship*. Oxford: university press.
- Bourdieu, P (1997). The forms of capital, in: Ah Halsey, H. Lauder, P. Brown & AS Wells (Eds). *Education culture, economy, society* Oxford: Oxford University Press.
- Docherty, I. Goodlad, R & padison R (2001). *Civic Culture Community and Citizen Participation In Contrasting Neighborhoods. Urban Studies*.
- Goode, I. (2010). *Cultural Citizenship Online: The Internet and Digital Culture, Citizenship Studies*.
- Hamatt, D & Staeheli, I (2011). *Respect and Responsibility: Teaching Citizenship In South Africa High Schools. International Journal of Educational Development*.
- Janoski, T (1998). *Citizenship and civil society*, Cambridge University, press. Cup.
- Stevenson. N (2003). *Cultural Citizenship in the 'Cultural' Society: A Cosmopolitan Approach*. Publication, citizen ship studies J.
- Tobias, R (1997). *The boundaries of education for active citizenship: institutional and community context*, Newzealand: Secuter Aotearo.
- Turner, B.S (2001). *The Erosion of Citizenship*, *The British Journal of Sociology*.
- Turner, B.S (2006). *Global Sociology and the Nature of Rights*, In *Societies, without Borders*.
- Young, I.S (1989). *Polity and Group Difference: A Critique of the Ideal of universal citizenship*, in *citizenship, critical concepts*. V. 2. London and New York: Routledge.
- Young, I.S (1990). *Justice and the Politics of difference*, Princeton: Princeton sity Press.
- کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور.
- کریمی، حسن (۱۳۹۰). *سمینار رسانه و آموزش شهروندی (مجموعه مقالات)*، تهران: اداره کل آموزش شهروندی شهرداری.
- کفاشی، مجید (۱۳۸۷). *تأثیر امکانات شهری بر فرهنگ شهروندی (مطالعه موردی منطقه ۸ تهران)*، علوم اجتماعی. جامعه‌شناسی.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۸۹). *ابعاد تحلیل حقوق شهروندی؛ راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی*، مطالعات سیاسی.
- محمدی، جمال و نازنین تبریزی (۱۳۹۰). *سنجش میزان آگاهی عمومی به حقوق شهروندی (مورد مطالعه: گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال شهرهای ساری، بابل، آمل و قائم شهر)*، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان.
- ملاپور، روح‌انگیز (۱۳۹۱). *بررسی میزان آگاهی شهروندی در میان معلم‌ها؛ مطالعه موردی معلم‌های منطقه ۱۱ شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- منافی شرف‌آباد، کاظم و دیگران (۱۳۹۰). *بررسی چالش‌های آموزش شهروندی در کشور و ارائه راهکارهایی برای آن*، سمینار رسانه و آموزش شهروندی (مجموعه مقالات)، تهران: اداره کل آموزش‌های شهروندی.
- نوری، فیض‌اله و منا گل‌پرور (۱۳۹۰). *بررسی میزان احساس بر خورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن*، راهبرد.
- هزار جریبی، جعفر و ابوالفضل امانیان (۱۳۹۰). *آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن*، مطالعات و

یادداشت‌ها

¹Cultural Citizenship

²Culture of citizenship

³Young

⁴ Cultural capital

⁵Ethnic diversity

⁶Van Hobert

^vTurner

⁸Kimlika

⁹Kant

¹⁰Bourdieu

¹¹Poper

¹²Janoski

¹³Goode

¹⁴Docherty